



## عدالت آموزشی

بوده‌ام و منظورش شش نفر جلویی بوده است. چند نفر مانده بود که نوبتم برسد که یک دفعه مردی از لات‌های محل وارد شد و گفت: «عباس آقا، دستت درد نکند!» این «دستت درد نکند» باعث شد که او به سرعت نانش را بگیرد و با یک «دستت درد نکند» دیگر از ناتوانی برود بیرون. اشک در چشم‌هایم حلقه زده بود.

زورگویی و بی‌عدالتی را حس می‌کردم. می‌دیدم که چند نفر بیشتر به من که یک ساعت در صف ایستاده بودم، مانده بود که کسی آمد و سرگردنه حقم را خورد.

اکنون از آن ماجرا می‌گذرد ولی هر موقع می‌خواهم ظلم را تصور کنم، یاد نانوایی و سلمانی و ... می‌افتم که در آنجا همیشه حق ما خورده می‌شد و بزرگ‌ترهایی که آشنا بودند، خارج از نوبت و صف می‌آمدند و ما را

صف طولانی نانوایی و ساعت‌ها انتظار برای خرید نان، از خاطراتی است که هرگز از یادم نمی‌رود. به یاد می‌آورم و با اینکه نانوایی‌های محل فقط وعده‌ظهر را پخت نمی‌کردند، ما هم مثل همه‌ی اهل محل، نگران پیدا نشدن نان و دردسر برای آن بودیم. با ناراحتی بلند شدم و رفتم سراغ نانوایی لواشی که نانش بیشتر دوام می‌آورد. به نانوایی که رسیدم، آه از نهادم بلند شد؛ صفی طولانی تا بیرون نانوایی کشیده شده بود. آخر صف ایستادم. خون خونم را می‌خورد. در اوج داستان کتاب را رها کرده و آمده بودم نانوایی. نیم ساعت بعد، در آستانه‌ی ورود به نانوایی قرار گرفتم. دائم با خودم حساب می‌کردم که کی نوبتم می‌شود. نانو که چشم‌هایش چپ بود، هر از گاهی می‌گفت: «چند تا می‌خواهی؟» و من فکر می‌کردم از من می‌پرسد؛ غافل از اینکه خوش خیال

به کناری می‌زدند. اکنون که می‌خواهم دربارهٔ عدالت آموزشی بنویسم؛ به یاد ماجراهای دورهٔ نوجوانی‌ام می‌افتم تا ظلم را بهتر تجسم کنم. عدالت آموزشی را شاید با ضدش بهتر بشود شناخت؛ یعنی بی‌عدالتی آموزشی. راستی، بی‌عدالتی آموزشی یعنی چه؟ برخی می‌گویند. «وضعیت نامناسب مدارس، معلمان و دانش‌آموزان مناطق محروم و دورافتاده، چند نوبته بودن برخی مدارس، سهم کم آموزش و پرورش از بودجه‌های عمومی، دستمزد پایین معلمان، و نبود تجهیزات آموزشی و رفاهی مناسب در بسیاری از مدارس» از مواردی است که کمتر کسی دربارهٔ آن‌ها تردید دارد. ولی مواردی دیگر هم هست که ظالمانه بودن آن‌ها محل بحث و مناقشه است. به نظر شما آیا وجود مدارس غیردولتی که خدمات آموزشی ویژه‌ای به خانواده‌های برخوردار از امکانات مالی مناسب ارائه می‌کنند، نوعی بی‌عدالتی آموزشی است؟ آیا اینکه کودکانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست باید تحصیلات خود را به زبان فارسی انجام دهند، نوعی بی‌عدالتی آموزشی نیست؟ آیا وجود مدارس خاص برای کسانی که به اصطلاح «تیزهوش» خوانده می‌شوند نوعی بی‌عدالتی آموزشی نیست؟ آیا جدا کردن کودکانی که در اصطلاح «کودکان با نیازهای ویژه» خوانده می‌شوند از کودکانی که در اصطلاح «معمولی» خوانده می‌شوند نوعی بی‌عدالتی آموزشی نیست؟ آیا حضور پررنگ‌تر پسران در تصاویر کتاب‌های درسی، مثلاً کتاب‌های علوم و فارسی دبستان و اینکه پسران برخلاف دختران نقش‌هایی فعال در این تصاویر دارند، نوعی بی‌عدالتی آموزشی نیست؟<sup>۱</sup> و امثال این‌ها.

داوری دربارهٔ عادلانه یا ظالمانه بودن این مصادیق بسته به آن است که ما عدالت را چگونه توصیف کنیم. در توصیف عدالت، عنصری که مبنا و محور قرار می‌گیرد، متفاوت است، مساوات، نیاز، تلاش و

حق از عناصری هستند که تعریف عدالت را متفاوت می‌کنند.<sup>۲</sup> در نگاه مساوات‌طلبانه، همهٔ آحاد جامعه در وضعیتی برابر قرار دارند؛ بنابراین، عدالت آموزشی به این معناست که همگان از آموزشی برابر و یکسان برخوردار باشند و ارائهٔ امکانات نابرابر به معنای بی‌عدالتی آموزشی است. کسانی که به عنصر نیاز اشاره دارند، معتقدند که آموزش را باید با توجه به نیازهای افراد و واحدهای آموزشی ارائه کرد. از این دیدگاه، مناطق محروم و روستایی باید از امکاناتی در خور نیازهای خود برخوردار باشند که لازمه‌اش توجه بیشتر به این مناطق است.

پررنگ کردن عنصر تلاش به این معناست کسانی که بیشتر تلاش می‌کنند، باید در خور تلاش خود از تسهیلات آموزشی بهره‌مند شوند و سرانجام در نگاه عدالت‌طلبانه‌ای که مبتنی بر پررنگ کردن مفهوم حق است، همگان باید از آموزش و پرورش درخور بهره‌مند باشند و این حق آن‌هاست. کسی نباید فراتر از حق خود برخوردار باشد و کسی نیز نباید از حق خود بی‌نصیب بماند.

هر تعریفی از عدالت آموزشی را که انتخاب کنید، ظاهراً در مصادیق آن چندان منازعه‌ای وجود ندارد. مهم آن است که فاصله افراد در برخورداری از آموزش و پرورش در خور کم شود و شکافی نامناسب میان آحاد جامعه ایجاد نگردد. در این شمارهٔ نشریه بر عدالت آموزشی به‌عنوان یکی از موضوعات مهم جامعهٔ آموزشی تمرکز کرده‌ایم.

#### \* پی‌نوشت‌ها

۱. شیخ رضایی، حسین، رشد مدرسهٔ فردا، دورهٔ سیزدهم اردیبهشت سال ۱۳۹۶.
۲. دانایی‌فرد، حسن، تراب‌زاده‌چهرمی، محمدصادق. (۱۳۹۶). تحلیلی بر انسجام نظریهٔ عدالت در خط‌مشی‌های آموزشی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد ارزیابی نظریهٔ برنامه. نشریه اندیشهٔ مدیریت راهبردی سال یازدهم، شمارهٔ اول.